

هنرستان موسیقی ملی

گزارش موضوع تشکیل ارکستر به علینقی وزیر که رئیس اداره موسیقی کشور بود داده شد و ایشان پس از اینکه کار ارکستر را دیدند، نوازندگان را تشویق کردند. سپس با موافقت وزارت فرهنگ در ۲۴ اردیبهشت ۱۳۲۳ از جمع علاقمندان موسیقی ملی در سالن دبستان نظامی (واقع در خیابان سپه) برای استماع اولین برنامه کنسرت موسیقی ملی دعوت به عمل آمد.

”پس از تجربیاتی که در دوران معاونت اداره موسیقی کشور و هنرستان عالی موسیقی به دست

موسیقی نیز خوب آشنا بودند کمک خراسته شود. این بود که در اسفندماه ۱۳۲۲ از بیست و چند تن از موسیقی دان‌ها دعوت کردم و گفتم که اگر علاقه به هنر ملی داریم با اتکاء به کار و کوشش خود داشته باشید.

”سپس پیشنهاد تشکیل ارکستر ملی را دادم که مورد موافقت همه قرار گرفت و تمرینات ارکستر آغاز شد. نوازندگانی که در تشکیل ارکستر و برای همکاری با من آماده شدند از این قرار بودند: ابوالحسن صبا، حبیب سماعی، موسی معروفی، علی محمد خادم‌میناق، عبدالعلی وزیری، جواد بدیع‌زاده، احمد فروتن‌راد، مهدی برکشلی، مهدی خالدی، مهدی مفتاح، نصرالله زرین‌پنجه، اکبر محسنی، لطف‌الله مجید، بهاء‌الدین بامشاد، لطف‌الله مشیری، حسین تهرانی، علی زاهدی، محمود تاجبخش، حسینعلی ملاح، منوچهر محمودی، قاسم نیک‌پور، ابراهیم منصوری، احمد عاشورپور، یحیی معتمدوزیری، جواد معروفی، محمد جمالی‌فروز، حسینعلی وزیری‌تبار، هادی نراقی، سلیمان روح‌افزا.

”پس از دو ماه که اولین برنامه آماده گردید،

روح‌الله خالقی

از سال ۱۳۲۸ تا ۱۳۳۸

روح‌الله خالقی موسیقیدان و محقق موسیقی، در سال ۱۳۲۸ هنرستان موسیقی ملی را بنیاد نهاد. خالقی شاهد دو دوره ریاست علینقی وزیر بود و مشکلات او را در دفاع از موسیقی ملی از نزدیک دیده بود. با تجربیات وزیری و خودش، دانسته بود تنها راه نجات آموزش موسیقی ملی ایجاد هنرستان با استقلال کامل است. دیده بود که طرفداران موسیقی غربی در هر فرصتی موسیقی ملی را نفی می‌کنند و در دوره ریاست بر هنرستان موسیقی، موسیقی ملی را از برنامه هنرستان حذف کردند. درباره بنیاد هنرستان موسیقی ملی در جلد سوم سرگذشت موسیقی ایران می‌نویسد:

”با تبلیغات ناروایی که در محیط هنرستان موسیقی راجع به موسیقی ایرانی شده بود و شاگردان هنرستان را به موسیقی ملی بی‌علاقه کرده بودند طبیعی است که موسیقی ملی در آن مؤسسه پیشرفتی نداشت.

”بنابراین چنین به نظر رسید که از هنرمندانی که در موسیقی ایرانی تخصص داشتند به مبنای

مدیران هنرستان موسیقی ملی

از ۱۳۲۸ تا ۱۳۵۷

۱۳۲۸-۱۳۳۸	روح‌الله خالقی
۱۳۳۸-۱۳۴۱	مهدی مفتاح
۱۳۴۱-۱۳۵۰	حسین دهلوی
۱۳۵۰-۱۳۵۲	مصطفی کمال پورتراب
۱۳۵۲-۱۳۵۵	علی رهبری
۱۳۵۵-۱۳۵۷	حسین فرشاد

پوند لیچک (هویو) ۶، یارسلویزا (باسون) ۷، ماریا گروفلدوا (هارپ) ۸، ژوزف اشمولیک (ویلن سل) ۹، فرانسوا هلسل (کنترباس) ۱۰، ژوزف اسلاوک (ترومبون) این هنرمندان در کار خود تخصص داشتند و برای تربیت شاگردان هنرستان بسیار مفید بودند و این کار بزرگترین اقدام صحیح مین‌باشیان برای ترقی و پیشرفت کار فنی هنرستان بود. ولی افسوس که پیش آمدهای آتیه موجب شد که کار خود را ناتمام گذارند.

با استخدام استادان خارجی، تعلیمات هنرجویان بهتر شد و مخصوصاً سازهایی مانند قره‌نی، یاسون، اویوا، ترومپت، ترومبون و کنترباس که تا آن زمان هیچ‌وقت معلم متخصص نداشت و به روش صحیح نواخته نمی‌شد پیشرفت بسزا حاصل نمود.

برای اولین بار نیز هنرستان دارای معلم آواز برای موسیقی اروپایی شد که شاگردان به روش صحیح تعلیم می‌گرفتند.

شک نیست که در قسمت آواز برای موسیقی ایرانی که روشی خاص دارد این نوع تعلیم به تنهایی کافی نمی‌باشد ولی، چنان‌که قبلاً گذشت، در هنرستان توجهی به موسیقی ملی نبود.

دیگر اینکه رودلف اوبانتس هرچند متخصص موسیقی نظامی بود ولی برای رهبری ارکستر نیز شایستگی کافی داشت و ممکن بود در این فن از او استفاده شود، ولی در این قسمت از او کمتر استفاده شد. تنها بعضی از شاگردان هنرستان که ذوقی برای فراگرفتن قواعد علمی موسیقی داشتند از او استفاده کردند. از استادان چک بعدها در رادیو و کنسرت‌های پرورش افکار نیز استفاده شد.

اداره‌ای که محلش در همان هنرستان بود و یکی دو عضو داشت و آتیم به ریاست خودش فوراً تشکیل شد که ناظر بر اجرای برنامه در هنرستان موسیقی باشد و کار آموزگاران سرود مدارس هم با همان اداره شد.

البته این کار برای پیشرفت کار موسیقی اقدام شایسته‌ای بود و کارها را سریع‌تر انجام می‌داد. با اینکه در هیچ کشوری چنین اداره‌ای وجود ندارد و اگر کارها اساسی صحیح داشته باشد ضرورت هم ندارد، حق همان است که مؤسسه هنری مانند هنرستان استقلال داشته باشد، بودجه‌اش معلوم باشد و کارش چون هنری است زیر نظر مستقیم رئیس هنرستان باشد و وزارتخانه یا وزیر در آن حق حکم‌فرمایی و دخالت نداشته باشند.

البته چنین رئیس هنرستانی مانند تمام رؤسای کنسرواتورها، ممالک دیگر صاحب شخصیت و مقام شامخ هنری است و می‌تواند هرچه به نفع مدرسه‌اش باشد انجام دهد.

وقتی مین‌باشیان رئیس هنرستان شد ملاحظه کرد که غیر از چند تن از هنرآموزان مانند سرژ خوتسیف (ویلن)، سورن آراکلیان (ویلن سل) و پتر دولگف (فلوت)، سایر هنرآموزان هنرستان تحصیلات عالی موسیقی ندارند و برای اغلب سازها و مخصوصاً سازهای بادی معلم متخصص وجود ندارد. این بود که پیشنهاد کرده تن استاد موسیقی از کشور چکسلواکی برای تدریس در هنرستان استخدام شوند. این اشخاص در اواخر سال ۱۳۱۷ انتخاب و استخدام شده به ایران آمدند: ۱. کارل کوگلر (آواز) ۲. کارل یان زوبک (ویلن) ۳. رودلف اوبانتس (متخصص موسیقی نظامی و هنرآموز ترومپت و کُر) ۴. واتسلاو کوناس (قره‌نی) ۵. یارسلوا

آوردم، به این نتیجه رسیدم که برای پیشرفت موسیقی ایران و حفظ اصول و کیفیات این موسیقی و بالا بردن تکنیک نوازندگی در سازهای ملی، باید هنرستانی برای موسیقی ملی تأسیس کرد.

خالقی در سال ۱۳۲۵ در شماره چهارم و آخر مجله چسنگ همین موضوع را مطرح کرد. در این هنگام، پس از رفتن علینقی وزیر از هنرستان عالی موسیقی، دوباره موضوع تعلیمات موسیقی ملی بی تکلیف ماند: آموزشگاهی برای تدریس این رشته وجود نداشت و برنامه هنرستان عالی دوباره به تعلیم موسیقی غربی اختصاص یافت. خالقی در آن مقاله نوشت:

”از روزی که در محیط موسیقی وارد شدم تا امروز که متجاوز از بیست سال است، همیشه بین موسیقیدانان ملی و دسته‌ای جویای موسیقی اروپایی اختلاف بوده. اگر هر یک از عاشقان این دو موسیقی راه خود را می‌پیمودند و اولیای امور موسیقی به خفیف کردن یکی و ترقی دادن دیگری همت نمی‌گماشتند، این اختلاف خودبه‌خود از بین می‌رفت و هر يك از این دو دسته در فن خود مهارت بیشتری می‌یافتند، ولی عیب در این جاست که مرجع و مرکزی که باید مشوق موسیقیدانان باشد، هر چند روزی در دست یک طبقه است که با طبقه دیگر مخالفتند. این است که هنوز کار یک طبقه رونق نگرفته و راهی برای پیشرفت باز نشده، یک مرتبه کوششهای گذشته خنثی شده فعالیت

جدیدی به کار می‌رود. هنرجویان بلا تکلیف هر روز باید طبق نظریه جدیدی راه و روش کار خود را تغییر دهند. همین کار موجب شده است که عده‌ای با اینکه سالیان متمادی در این فن زحمت کشیده‌اند معلوم نیست چه کاره‌اند، زیرا نه می‌توانند در يك ارکستر موسیقی بین‌المللی برای نواختن ساز خود کرسی مناسبی به دست آورند و نه از لحاظ موسیقی ملی ارزش دارند. خودشان هم در این گیرودار متحیر مانده به تدریج از کار دلسرد می‌شوند...

”من خیال می‌کنم در این بیست‌ساله به قدر کافی تجربه شده است. باید به این وضع درهم آشوب خاتمه داد. باید وزارت فرهنگ لااقل چند ساعت هم از برنامه کار خود را وقف هنر کند و بداند که با تغییرات صوری و ظاهری، آن هم بدون نقشه و مقصود، کاری از پیش نمی‌رود. باید دولت مشوق اصلی هنر باشد و بداند که هنر محتاج تشویق است، ولی افسوس که گوش شنوایی نیست و چیزی که به فکر دولت‌ها نرسیده، نقشه اصلی برای پیشرفت هنر است.

”دو سال و نیم قبل که عده‌ای از موسیقیدانان های ایرانی را دور هم جمع کردم، گفتم که دولت به فکر کار ما نیست، باید خودمان دست به اقدامی بزنیم. بر اثر همین تذکر، انجمن موسیقی ملی تشکیل شد و امروز تنها مؤسسه ملی است که پشتیبان موسیقی ملی است. حالا اگر بگویم که متصدیان امور دولتی از وجود همین مؤسسه نیز

دلخوش نیستند و طالب اضمحلال و انحلال آن می‌باشند نباید تعجب کرد... دولتهای ما به قدری گرفتارند که فرصت مطالعه در کار شما را ندارند. ما باید خودمان به فکر خود باشیم. از وزارت فرهنگ که پس از بیست سال رنج و مرارت و کوشش و زحمت و فعالیت، به یک موسیقیدان بزرگ که عمر خود را وقف موسیقی ایران کرده با یک ابلاغ دوسطری می‌نویسد: ”آقای علینقی وزیر، از این تاریخ در وزارت فرهنگ سمتی نخواهید داشت.“ چه امیدی دارید...

”به نظر اکثر موسیقیدانان، امروز ثابت شده که موسیقی ایرانی و موسیقی غربی، دو رشته از یکدیگر متمایز است. تدریس این دو رشته تصور نمی‌کنم دیگر در یک مؤسسه صلاح باشد، پس بهتر است که یکی مخصوص موسیقی ملی باشد و یکی نظیر کنسرواتوارهای دنیا در پیشرفت موسیقی غربی بکوشد. مدرسه موسیقی ایرانی باید در همین انجمن تأسیس شود تا نتیجه‌ای که مطلوب است حاصل گردد. انجمن موسیقی ملی را یاری کنید تا بتواند به این منظور بزرگ برسد.

”اما این پیشنهاد هم نتیجه‌ای فوری نداد تا چنانکه در فصل مربوط به انجمن موسیقی ملی نوشتیم، در سال ۱۳۲۸ وزارت فرهنگ اظهار نظر کرد که اگر کار انجمن موسیقی ملی جنبه آموزشی داشته باشد می‌توان آن را کمک و پشتیبانی کرد.“ خالقی در ادامه می‌نویسد: ”بنابراین طرحی

وزیری و موسیقی ایرانی

از کتاب سرگذشت موسیقی ایران

نوشته روح‌الله خالقی، جلد سوم

”پس از پیش آمد حوادث سوم شهریور ۱۳۲۰ و آزاد شدن قلم در دست نویسندگان، نگارش مطالب انتقادی به وضع بی‌سابقه تندی آغاز شد و در تمام شئون مملکت شروع به قلم‌فرسایی و انتقاد گردید.

چون در چند سال قبل از آن حوادث نسبت به موسیقی ملی فراموشکاری و اهانت شده بود، از جمله در این مورد هم مطالبی در روزنامه‌ها نوشتند. در این موقع، محمدعلی فروغی نخست‌وزیر شد و دکتر عیسی صدیق که از فرهنگیان باسابقه بود وزیر فرهنگ گردید و این هر دو نفر علینقی وزیر را می‌شناختند و خدمات گذشته او را به موسیقی به یاد داشتند. این بود که او را برای ریاست اداره موسیقی کشور و هنرستان عالی موسیقی و موسیقی رادیو انتخاب کردند.

روزی در وزارت فرهنگ در دفتر خود نشسته مشغول کار بودم. وزیری از در وارد شد و گفت دکتر صدیق به من پیشنهاد کرده است که دوباره به کار اصلی خود مشغول شوم. گفتم بسیار فکر خوبی است.

استاد گفت من به یک شرط این کار را پذیرفتم که تو هم با من همکاری کنی و معاونم بشوی. گفتم چون به این هنر و نبات خیرخواهانه استاد واقفم من هم این کار را می‌پذیرم.

خلاصه نزد وزیر رفت و طولی نکشید که ابلاغهای لازم صادر شد و او رئیس و من هم معاونش شدم و با يك دنیا امید و آرزو و سرشار از قصد خدمتگزاری بعد از چند سال دوری دوباره وارد محیط هنری هنرستان شدیم و کار را آغاز کردیم. با نلیغاتی که قبلاً شده بود و متصدیان هنرستان با عدم توجهی که به کار موسیقی ملی از خود نشان داده بودند متأسفانه در هنرستان محیطی به وجود آورده بودند که با قصد و مرام وزیری موافقت نداشت.

این بود که از همان آغاز کار تحریکات شروع شد و چون موقع هم برای آشوب و تحریک سازگار بود، مخالفین وزیری در هنرستان دسته‌بندی کردند و با عقیده او که می‌گفت باید فکری اساسی برای موسیقی ایرانی کرد نغمه مخالفت ساز کردند ولی وزیری اعتنا نکرد و چون در عقیده خود ثابت قدم بود فوراً تعلیمات موسیقی ایرانی را که از برنامه هنرستان حذف شده بود در برنامه گنجانید و اساسنامه را مجدداً اصلاح کرد و به تصویب رسانید و کسانی را که دارای تحصیلات فنی بودند و اوقاتشان به بطالت می‌گذشت به کارهای اصلی خودشان گماشت، از جمله آنها پرویز محمود بود که چنانکه سابقاً اشاره شد کاری نداشت و وزیری کارهای ریاست ارکستر هنرستان را به او واگذار کرد. احمد فروتن‌راد و حشمت سنجری و یوسف یوسف‌زاده را هم به سمت هنرآموزان هنرستان استخدام کرد و به کار تدریس دروسی که طرف علاقه‌شان بود برگماشت.

وقتی قرار شد هنرجویان شروع به خواندن درس تئوری موسیقی ایرانی بکنند، تدریس این درس به عهده نگارنده محول شد و قرار شد هنرجویان دوره دوم متوسطه در کلاس حاضر شوند و خواندن این درس را آغاز کنند. وقتی وارد



روح‌الله خالقی (۱۲۸۵-۱۳۴۴)

فرزند معنوی و ادامه‌دهنده راه علینقی وزیری بود و خود منشأ خدمات ارزنده و ماندگار برای موسیقی ایرانی شد. از جمله آثار او: مرگ‌شدت موسیقی ایران در سه جلد، و نظری به موسیقی در دو جلد است. در کتاب گامها و مقامات به بررسی موسیقی گذشته و امروز ایران می‌پردازد و نظرات تازه‌ای مطرح می‌کند. در سال ۱۳۲۸ هنرستان موسیقی ملی را تأسیس کرد.

اداره با تأسیس این هنرستان نظر موافق نداشت، زیرا می‌خواست همه‌چیز را در انحصار خود داشته باشد.

”صورت هنرآموزان مورد حاجت را به وزیر فرهنگ وقت دادم و او هم دستور انتقال آن‌ها را صادر کرد. اگر من از کارمندان با سابقه فرهنگ نبودم هرگز این انتقال عملی نمی‌شد، ولی چون رؤسای فرهنگ همه از همکاران و دوستانم بودند نظر من را زود عملی کردند.

”با این‌که اداره موسیقی گفت به این هنرآموزان احتیاج دارم (در صورتی‌که اغلب آن‌ها را به کارهای غیرفنی گماشته بود) ولی من چون به رموز کارهای اداری خوب وارد بودم با آشنایی که با مقامات فرهنگی داشتم موجبات صدور ابلاغ هنرآموزان مزبور را بدون موافقت اداره موسیقی

که سه سال قبل از آن تاریخ در مجله چنگک پیشنهاد شده و طرف توجه قرار نگرفته بود، تجدیدگردید و اساسنامه هنرستان موسیقی ملی تهیه شد. ”دبیرخانه شورای عالی فرهنگ مأمور رسیدگی به طرح مزبور گردید و اساسنامه به عرض شورا رسید و امتیاز تأسیس هنرستان به انجمن موسیقی ملی داده شد و نگارنده نیز سمت ریاست آن را یافت.

”ماده اول اساسنامه، منظور این هنرستان را چنین معرفی می‌کرد: ‘هنرستان موسیقی ملی به منظور حفظ خصائص موسیقی ملی ایران و پیشرفت این هنر و قرار دادن آن بر پایه صحیح علمی تأسیس می‌شود.’

”دوره هنرستان هفت‌سال و شرط ورود، داشتن استعداد موسیقی و کارنامه قبولی سال چهارم ابتدایی بود، ولی بعدها دوره آن شش سال و شرط ورود داشتن گواهینامه شش‌ساله ابتدایی تعیین شد تا فارغ‌التحصیل‌ها پس از توفیق در امتحان به دریافت گواهینامه کامل متوسطه نائل شوند.

”وزارت فرهنگ نیز با پرداخت اعانه وسایل شروع کار را آماده کرد. البته پس از این کار باید هنرآموزان شایسته‌ای برای تدریس در نظر گرفت. تهیه دبیر برای دروس عمومی اشکال نداشت، ولی هنرآموزانی که در موسیقی ایرانی تخصص داشتند همه در اختیار اداره موسیقی بودند که اصولاً آن

فراهم کردم و یک‌روزه ابلاغ آن‌ها را به امضای وزیر رسانیدم و پیش از این‌که اداره موسیقی خبر شود و کارشکنی کند نامه‌ها را به معلمین مورد نظر رسانیدم و آنگهی افتتاح هنرستان را به روزنامه دادم و کلاسهای مدرسه را در همان محل انجمن موسیقی ملی دایر کردم. اداره موسیقی هم که در مقابل عمل انجام شده قرار گرفت کاری از دستش برنیامد.

”راستی جای تعجب است! اداره موسیقی باید خود پشتیبان این فکر بود، ولی روی اصل

گفته بود وزیری سالهاست که امتحان خود را داده و برای ریاست هنرستان از همه‌کس شایسته‌تر است و شاگردان که دیگر روی برگشت به هنرستان را نداشتند از وزارت فرهنگ بیرون آمدند.

در هر حال باز هم به آن‌ها گفته شد که ایرانی باید موسیقی خود را بشناسد ولی آنچنان مطلب را به غلط به آنها سالها گفته بودند که برای شنیدن چنین حقیقتی گوش شنوا نداشتند. ولی به تدریج در اثر مرور زمان فهمیدند که موضوعی که به نازگی طرح شده به زبان آنها نیست ولی چند ماه که گذشت پیش‌آمد دیگری موجب شد که شاگردان هنرستان از راهی دیگر وسیله دلسردی‌شان فراهم شود. قرارداد سه‌ساله استادان چک به پایان رسید و وزارت فرهنگ به هنرستان اخطار کرد که دیگر به آنها حقوق داده نخواهد شد. وزیری به وزارت فرهنگ پیشنهاد کرد که چون کار آنها پایان نیافته است خوب است برای مدتی دیگر قراردادشان تمدید شود و خیلی هم برای عملی شدن این کار کوشید ولی به نتیجه نرسید. زیرا می‌گفتند برای تصویب چنین کاری باید قانون مخصوص از مجلس شورا بگذرد و در آن اوضاع هیچ وزیری قادر نبود برای این کار لایحه قانونی تقدیم مجلس کند. زیرا وضع کشور بسیار متشنج بود.

در هر حال من به خوبی ناظر و شاهد بودم که وزیری برای این کار چندین کوشش کرد و با بسیاری از مراجع امور مذاکره کرد و لزوم این کار را تأکید نمود. ولی نتیجه‌ای نگرفت و شاگردان هنرستان چون دیدند بعد از آمدن وزیری به هنرستان اساتذانشان را از دست دادند، این پیش‌آمد را هم تقصیر رئیس جدید مدرسه دانستند و کسانی هم که از خارج آنها را تحریک می‌کردند این حادثه را هم

کلاس شدم و مقدمه‌ای گفتم که فعلاً مقصود این نیست که هنرجویان نغمات موسیقی ایرانی را بنوازند، بلکه بیشتر منظور آشنا شدن آنهاست به قواعد مایه‌ها و مقامات و فواصل موسیقی ملی و اینکه از لحاظ علمی موسیقی ما دارای چه خواص و کیفیاتی می‌باشد، ناگهان متوجه شدم که اغلب هنرجویان توجهی به درس ندارند؛ زیرا آنقدر در بی‌اهمیتی موسیقی ایرانی مطالبی شنیده بودند که هرگز تصور نمی‌کردند موسیقی خودشان هم در خور مطالعه و تحقیق است.

تعجب من بیشتر شد وقتی یکی از شاگردان برخاست و گفت ما احتیاج به خواندن چنین درسی نداریم! من هم به او گفتم ما احتیاج به چنین موسیقی‌دانی که با نظر حشرات به موسیقی خود بنگرد نداریم.

وی که معلوم می‌شد قبلاً تحریک شده است به شاگردان گفت: ‘چرا نشسته‌اید! این درس به چه کار می‌آید؟’ بلافاصله عده‌ای از شاگردان برخاستند که از کلاس خارج شوند.

علی محمد خادم میناق را که سمت نظامت هنرستان داشت و در حیاط قدم می‌زد به کلاس خواندم و گفتم ملاحظه کنید شاگردان هنرستان در چه اشتباه بزرگی هستند و او هم شروع به نصیحت هنرجویان کرد. ولی چند تن از آنها بی‌آنکه توجهی به گفته‌های او بکنند از کلاس خارج شدند و بعد هم معلوم شد از مدرسه بیرون رفته‌اند.

روز بعد با کمال تأسف اطلاع یافتیم که همان شاگردان به وزارت فرهنگ رفته و از اینکه وزیری رئیس هنرستان شده به وزیر فرهنگ شکایت کرده‌اند و او هم

خودخواهی مسئولین وقت نمی‌خواستند مؤسسه دیگری به کار موسیقی ملی بپردازد، آن‌هم آن نوع موسیقی که خودشان برایش اهمیتی قائل نبودند و ما می‌خواستیم آن را تقویت کنیم. در این موقع رئیس اداره موسیقی به آمریکا رفته بود. فکر معاونش هم با رئیس یکی بود. به او گفتم شما که به موسیقی ملی توجهی ندارید بهتر است کنسرواتور داشته باشید و ما هم به موسیقی ملی توجه کنیم و هر دو سعی کنیم تکنیک موسیقی را هر کدام در رشته خود بالا ببریم. وقتی دید کار از کار گذشته است گفت این هم یک راه است ولی اگر به همین اکتفا کنید.

”فهمیدم چه می‌گوید، او می‌دانست که من در وزارت فرهنگ سابقه ممتد دارم و راه کارهای اداری را خوب بلدم. ترسید مبادا بخوام کار آن‌ها را هم از دست‌شان بگیرم.

”گفتم اطمینان داشته باشید که من شما و رئیس مؤسسه شما را برای هنرستان عالی موسیقی شایسته می‌دانم ولی چون به کار موسیقی ملی توجه ندارید، این مؤسسه نو را بنیاد نهادم. شما راه خودتان را بروید، ما هم راه خود می‌رویم و به این ترتیب هر دو بهتر موفق خواهیم شد و نتیجه بیشتری نصیب کشور می‌شود.

”وقتی دیدم صادقانه سخن می‌گویم و مطمئن شد که قصد دخالت به کارش ندارم از در آشتی درآمد و من هم چنان‌که وعده دادم فقط به کار خود

پرداختم و همیشه هم گفته می‌گویم که ما باید دو هنرستان داشته باشیم تا وقتی که بنیان موسیقی ملی محکم شود و هر وقت به آن‌جا رسیدیم که به هر دو به یک چشم بنگریم باید کنسرواتور واقعی ملی تشکیل دهیم ولی البته هنوز هم به آن پایه نرسیده‌ایم.

”به‌هر حال هنرآموزان به هنرستان آمدند و اول مطلبی که به آن‌ها گفتم این بود که وظیفه ما دو چیز است: یکی این‌که به کار خود بپردازیم و دیگر این‌که به هیچ‌وجه کاری به کار هنرستان نداشته باشیم و بکشیم که محیطی هنری تشکیل دهیم که سرلوحه آن محبت و دوستی باشد.

”هنرآموزان بسی خرسند و امیدوار شدند و کار خود را آغاز کردند و اینک جا دارد که از نخستین بنیان هنرستان موسیقی ملی نام ببریم: موسی معروفی و نصرالله زریں پنجه (هنرآموزان تار و سه‌تار).

ابوالحسن صبا و محمود ذوالفقون (هنرآموزان ویلن) ضمناً کلاس سنتور را هم اداره می‌کرد تا این‌که چند سال بعد حسین صبا جانشینش شد. جواد معروفی (هنرآموز سرایش و دیگته موسیقی و پیانو).

حسینعلی وزیری تبار (هنرآموز سرود).

حسین تهرانی (هنرآموز وزن و تنبک).

بعدها به تدریج هنرآموزان دیگری هم که علاقه به موسیقی ملی داشتند به این هنرستان منتقل

شدند مانند:

مهدی مفتاح به سمت هنرآموز تاریخ موسیقی ایران و نظامت مدرسه.

حسینعلی ملاح هنرآموز ویلن.

هادی نراقی هنرآموز فلوت.

علی محمد خادم میثاق هنرآموز ارکستر.

غلامحسین بنان هنرآموز آواز.

”از جمله دبیران دروس عمومی که از آغاز تأسیس در این هنرستان به کار مشغول شدند باید از این اشخاص نام برد: منصور گلزاری، پروین خانلری، مهری صادقی نژاد و محمد میرنقیبی.

”هیچ فراموش نمی‌کنم که در آغاز افتتاح مدرسه تا چندماه مستخدم جزء نداشتیم و چون یک کلاس درس بیشتر دائر نشده بود خودم مکرر قبل از آمدن شاگردان، کلاس را جارو و نظافت می‌کردم و بخاری را روشن می‌نمودم. این را برای کسی نگفته بودم و قصد تظاهری هم ندارم. کاری بود از روی علاقه و می‌خواستم کاری زمین نماند.

”من در موقعی رئیس این هنرستان شدم که فقط یک کلاس داشت و در حدود سی شاگرد که همه بین سن ۱۱ و ۱۳ بودند. در آن موقع می‌توانستم رئیس دبیرستانی با هزار شاگرد بشوم، ولی آن کار از عهده دیگران برمی‌آمد ولی این یکی را می‌دانستم کسی حاضر نیست قبول کند. کردم و پس از چند سال هم ثمره آن را دیدم.“

دلیل بی‌علاقگی رئیس جدید مدرسه به موسیقی علمی و اروپائی دانستند. این نکته واقعاً مایه بس تأسف است.

وقتی وزیری در سال ۱۳۰۲ از اروپا به ایران آمد و مدرسه عالی موسیقی را تأسیس کرد عده‌ای گفتند وی می‌خواهد موسیقی ملی را از بین ببرد و موسیقی اروپائی را جانشین آن کند.

حالا بعد از ۱۸ سال در ۱۳۲۰ عده‌ای دیگر می‌گفتند وزیری آنقدر علاقه به موسیقی ایرانی دارد که می‌خواهد موسیقی علمی و اروپائی را از هنرستان طرد کند. مردم بی‌نظر می‌دانستند که هیچ‌کدام از این دو تصور صحیح و قابل قبول نبود! از یک سال قبل از ۱۳۲۰، کلاسهای شبانه‌ای در هنرستان دایر شده بود که در آن سرایش و موسیقی نظری و بعضی از سازها را تدریس می‌کردند. پس از آمدن وزیری به هنرستان چند کلاس موسیقی ایرانی هم تأسیس شد از جمله دو کلاس تار بود به هنرآموزی موسی معروفی و حسین سنجرى و یک کلاس آواز ایرانی به معلمی عبدالعلی وزیری و یک کلاس سلفژ موسیقی ایرانی به معلمی جواد معروفی.

شاگردان هنرستان وقتی دیدند که دوباره در انبار باز شد و تارهای گرد و غبار گرفته را بیرون آوردند و در کلاس شب عده‌ای به نواختن آن مشغول شدند موجب تعجب‌شان فراهم شد. راستی آیا نواختن تار که ساز موسیقی ملی ماست تعجبی دارد! این همان اشتباهی است که سالها شده بود و برگشت از این اشتباه برای هنرجویان هم تعجب‌آور بود.

در حدود پنج سال وزیری رئیس اداره موسیقی کشور و هنرستان عالی

موسیقی بود. بسیار کوشش کرد که محیط مساعدی طبق دلخواه به‌وجود آورد ولی هرچه بیشتر کوشش کرد کمتر نتیجه گرفت. در رادیو با تأسیس ارکستر نوین اقداماتی آغاز کرد که آنهم دروازش طولانی نبود و موسیقی ایرانی در برنامه هنرستان موسیقی گذاشته شد ولی عمدتاً شاگردان هنرستان اظهار علاقه‌ای به موسیقی ملی نمی‌کردند. این پنج سال دوران پرآشوبی بود و اوضاع ثباتی نداشت. دولت‌ها زود به زود تغییر می‌کردند. وزارت فرهنگ برنامه ثابت مطالعه شده‌ای نداشت. وضع مالی دولت خوب نبود. توجهی به موسیقی هم نبود. هنرستان عده‌ای از معلمین متخصص خود را از دست داده بود که جانشینی نداشتند. این مؤسسه هم مانند سایر مؤسسات وقت می‌گذراند.

وزیری عقیده داشت که شاگردان هنرستان باید هم موسیقی اروپائی را بیاموزند و قواعد علمی را فراگیرند و هم با موسیقی ایرانی عملاً آشنا شوند و حتی نغمات ایرانی را درست و صحیح یا تکنیک کامل بنوازند. حتی در امتحان نهائی چند تن که در رشته ویولن لیسانسیه شدند مانند عطاءالله خادم میثاق، حسامت سنجرى و هانزی گریگوریان، قطعاتی از موسیقی ایرانی هم نواختند، ولی روشی که وزیری می‌خواست کاملاً عملی نشد و باز هم با رفتن او، موسیقی ایرانی از هنرستان رخت بربست.

نگارنده در آن مدت که در اداره موسیقی کشور بودم به این نتیجه رسیدم که راهی دیگر برای پیشرفت موسیقی ایرانی باید جستجو کرد. این بود که مقدمات تأسیس انجمن موسیقی ملی را تهیه دیدم که بعدها هنرستان موسیقی ملی هم از آنجا مایه گرفت.

احیای سازهای از یادرفته در هنرستان موسیقی ملی

خالقی دربارهٔ قدمهایی که هنرستان در زمینهٔ احیای سازهای ملی برداشت می‌نویسد: "از ابتدای تأسیس نظری بر این بود که بعضی از سازهای ملی ایران که به غلط به سازهای عربی موسوم شده بود و در ایران به کار نمی‌رفت مانند عود و قانون مجدداً رواج یابد. برای عود با کمک نصرالله زرین‌پنجه و مهدی مفتاح که به این ساز به‌زودی آشنا شدند، متدی نیز تهیه شد و چند تن از شاگردان هم به‌نواختن آن آغاز کردند، ولی دستور مزبور به‌چاپ نرسید و هم‌اکنون نسخهٔ پاکتویس شدهٔ آن به خط این جانب در هنرستان موجود است.

"در قسمت قانون نیز مهدی مفتاح که نوازندگی آن را آغاز کرد و به همین منظور هم سفری به بغداد کرد که روش نوازندگی عرب‌ها را هم ببیند، متدی تهیه کرد و یکی از هنرجویان هم نواختن ساز را شروع کرد. هرچند خود مفتاح در نوازندگی این ساز مهارت یافت ولی تاکنون استقبالی از این ساز

به‌عمل نیامده است در صورتی‌که سازبست که نواقص سنتور را ندارد و بسیار خوش‌صدا می‌باشد.

"همچنین تشویق زیادی به‌عمل آمد که شاگردان به نواختن تنبک آشنا شوند، زیرا این آلت ضربی تأثیر به‌سزائی در وزن‌شناسی نوازندگان دارد. در این قسمت نیز حسین تهرانی نوازندگان خوبی تربیت کرد که با آن‌ها ارکستر ضرب‌ها را تشکیل داد.

"در قسمت تار توجه اصلی به این بود که روش و اسلوب استاد علینقی وزیری تعقیب شود و سبک معمول تار که اکنون رسم شده و تکنیک کاملی ندارد به سبک علمی استاد نامبرده مبدل گردد. در این ساز نیز چند نوازنده تربیت شد که اتودها و آهنگ‌های وزیری را می‌نوازند. حال نمی‌دانم این روش را ادامه می‌دهند، یا آنها هم به دنبال همان روش معمولی که ساده‌تر است رفته‌اند. "برای تربیت نوازندگان سه‌تار کوشش شد و با کمک هنرآموزان هنرستان، موسی معروفی و نصرالله زرین‌پنجه در این ساز نیز چند شاگرد خوب

تربیت شدند. ولی دربارهٔ کمانچه چون هنرآموزی نداشتیم توفیقی نیافتیم.

"موضوع دیگر تهیه متدهای درسی برای شاگردان بود و لازم بود که برای این کار نیز دستورهائی تهیه شود.

"آخرین نکته‌ای که دربارهٔ هنرستان موسیقی ملی باید گفت این بود که این هنرستان از آغاز تأسیس تا چند سال به‌طور ملی اداره می‌شد، ولی پس از تشکیل ادارهٔ هنرهای زیبا عقیدهٔ سرپرست آن اداره این بود که این مدرسه باید دولتی شود. این بود که پس از چند سال به صورت هنرستان دولتی درآمد و جزء یکی از واحدهای تابعهٔ آن اداره گردید که هنوز هم به همین صورت اداره می‌شود. باید بی‌برده‌گفت که فعالیت و پیشرفت هنرستان قبل از این‌که دولتی شود خیلی بیشتر بود چنان‌که همه مؤسسات ملی همین‌طور است. هرچند اکنون وسائل کار خیلی بیشتر از سابق در اختیار دارد ولی متأسفانه کمتر شاگرد قابل‌ی از آن بیرون می‌آید." در سال ۱۳۳۸ نام هنرستان موسیقی ملی به هنرستان عالی موسیقی ملی تغییر یافت.

استادان هنرستان موسیقی ملی از زمان تأسیس (۱۳۲۸) تا سال ۱۳۵۵

۱. روح‌الله خالقی، رئیس هنرستان و مسئول دبیرستان موسیقی (مدرس نظری، هماهنگی، فرم موسیقی ایران).
۲. ابوالحسن صبا (ویلن).
۳. موسی معروفی (تار).
۴. جواد معروفی (پیانو، سلفژ).
۵. مهدی مفتاح (رئیس هنرستان و تدریس قانون).
۶. حسینعلی وزیری‌تار (قره‌نی).
۷. نصرالله زرین‌پنجه (تار، سه‌تار).
۸. محمود ذوالفقون (ویلن).
۹. حسینعلی ملاح (ویلن، تاریخ موسیقی).
۱۰. حسین صبا (سنتور).
۱۱. علی محمد خادم میناق (ارکستر).
۱۲. حسین تهرانی (وزن‌شناسی، تنبک).
۱۳. محمود تاجبخش (ویلن).
۱۴. حسین دهلوی (رئیس هنرستان و تدریس هماهنگی، ارکستر، فرم و تئوری موسیقی ایران، تلفیق شعر و موسیقی).
۱۵. حسن رادمرد (سازشناسی).
۱۶. غلامحسین بنان (همراهی ساز با آواز).
۱۷. نورعلی برومند (ردیف موسیقی ایرانی).
۱۸. علی‌اکبر شهنازی (تار).
۱۹. احمد عبادی (سه‌تار).
۲۰. فرهاد ارزنگی (تار).

۲۱. فرامرز پایور (سنتور).
۲۲. رحمت‌الله بدیعی (ویلن).
۲۳. داریوس صفوت (سنتور).
۲۴. محمود کریمی (همراهی ساز با آواز و ردیف موسیقی ایرانی).
۲۵. علی‌اصغر بهاری (کمانچه).
۲۶. محمود حیدری (سنتور).
۲۷. علی تجویدی (ویلن).
۲۸. دکتر مهدی برکشلی (آکوستیک تفصیلی، گامهای ایرانی).
۲۹. دکتر زوان هاگوپیان (زیبایی‌شناسی و فرم).
۳۰. دکتر مهدی فروغ (مطالعه مقایسه‌ای خصوصیات موسیقی کشورهای شرق).
۳۱. امانوئل ملک‌اصلایان (هم‌آهنگی، تجزیه و تحلیل آثار مهم موسیقی غربی).
۳۲. فوزیه مجد (کنترپوان).
۳۳. احمد پژمان (آهنگسازی).
۳۴. ابراهیم روحی‌فر (تکنیک ویلن).
۳۵. قاسم طالب‌زاده (تکنیک ویلن).
۳۶. والود یاطارخانیان (تکنیک ویلن).
۳۷. داود جعفری (ویلن سل).
۳۸. رحمت افشار (قره‌نی).
۳۹. منوچهر منشی‌زاده (فلوت).
۴۰. شاهین فرهت (تاریخ موسیقی).
۴۱. داریوش دولتشاهی (هماهنگی، ارکستر).
۴۲. فرهاد فخرالدینی (فرم و تئوری موسیقی ایرانی، هماهنگی، آکوستیک).
۴۳. پرویز منصوری (تاریخ موسیقی).
۴۴. مصطفی پورتراب (رئیس هنرستان و مدرس هماهنگی، سلفژ، فرم، کنترپوان).
۴۵. عروسک حق‌نظریان (پیانو).
۴۶. وارهاکوپیان (پیانو).
۴۷. شیدا قره‌چهداغی (پیانو).
۴۸. حبیب‌الله صالحی (تار).
۴۹. هوشنگ ظریف (تار).
۵۰. رضا وحدانی (تار).
۵۱. افلیا پرتو (سلفژ، دیکتهٔ موسیقی).
۵۲. ادوارد هوسبیان (آواز جمعی).
۵۳. ارفع اطرائی (سنتور).
۵۴. علی رهبری (رئیس هنرستان و مدرس ارکستر).
۵۵. اسماعیل تهرانی (سنتور، سلفژ، ارکستر).
۵۶. اسماعیل وانفی (سنتور، آواز جمعی، ارکستر).
۵۷. مهربانو توفیق (هماهنگی، تئوری موسیقی).
۵۹. محمد اسماعیلی (تدریس تنبک و سازهای ضربی ایرانی).

مهدی مفتاح

از سال ۱۳۳۸ تا ۱۳۴۱

در مهرماه سال ۱۳۳۸ مهدی مفتاح به ریاست هنرستان برگزیده شد (روح‌الله خالقی در شهریور همان سال به خواست خود بازنشسته شده بود).

در دوران ریاست مفتاح، ردیف موسیقی ایرانی تألیف موسی معروفی در هنرستان تعلیم داده شد. سازهای ایرانی که در این دوره تدریس می‌شد تار، سه‌تار، سنتور، کمانچه، نی، عود، تنبک و قانون؛ و سازهای غربی، پیانو، ویلن، ویلن آلتو، ویلن سل، کلارینت، فلوت و کنترباس بود.

استادان موسیقی سنتی هفته‌ای چند جلسه گوشه‌های ردیف موسیقی ملی را به روش سینه به سینه به هنرجویان تعلیم می‌دادند.

از رخدادهای مهم دوران مفتاح افتتاح دوره عالی هنرستان موسیقی بود. دوره عالی هنرستان که در سال ۱۳۳۹ گشوده شد، مطابق اساسنامه، مشتمل بر رشته‌های ساز، آواز، کمپوزیسیون، رهبری ارکستر، موسیقی‌شناسی می‌شد و هدف آموزش در این دوره تربیت متخصص در رشته‌های علمی و عملی موسیقی بود.

حسین دهلوی

از سال ۱۳۴۱ تا ۱۳۵۰

در شهریور ۱۳۴۱ حسین دهلوی به ریاست

ارکستر هنرستان موسیقی ملی در سال ۱۳۴۴

حسین دهلوی (۱۳۰۶-)

موسیقی را نزد پدرش که از شاگردان علی‌اکبر شهنازی بود آغاز کرد و چند سال نزد ابوالحسن صبا به فراگیری این هنر پرداخت. دوره عالی هنرستان موسیقی در رشته آهنگسازی را در آکادمی وین گذراند. در سال ۱۳۳۶ پس از درگذشت صبا رهبری ارکستر شماره یک هنرهای زیبا را به عهده گرفت. از ۱۳۴۱ رئیس هنرستان موسیقی ملی شد و ده سال این مسئولیت را به عهده داشت. هم از سازهای اروپایی و هم ایرانی در آثار خود استفاده می‌کند.

هنرستان برگزیده شد و تحولی عمیق در امر آموزش و اداره هنرستان به وجود آورد. در دوران مدیریت دهلوی، گزینش هنرجویان با دقت فراوانی انجام گرفت. نواختن چند ساز متروک ملی مانند غبچک و رباب معمول شد.

آشنایی با پیانو برای هنرجویان دوره دوم متوسطه الزامی شد. کارکنسرت هنرجویان در دوره ریاست دهلوی رونق گرفت. در کنار کنسرت‌هایی که هنرجویان در حضور اولیای خود برگزار می‌کردند، از سال ۱۳۴۱ هر ماه سه کنسرت با شرکت سی نفر از هنرجویان در تالار هنرستان اجرا



می‌شد. هنرجویان برنامه‌هایی به صورت تک‌نوازی و هم‌نوازی و ارکستر در تلویزیون ملی اجرا کردند. ارکستر و گروه گُر قطعاتی که حسین دهلوی آنها را تنظیم کرده بود اجرا می‌کردند. قطعاتی برای تار، سنتور، ویلن و تنبک در تالار نمایش وزارت فرهنگ و هنر و تالار فزایی اجرا شد. برای نخستین بار، سنتور کروماتیک و سنتور کروماتیک بَم به ابتکار حسین دهلوی معمول گردید.

در سال تحصیلی ۴۴-۴۳، بار دیگر هنرجویان از کلاس پنجم و ششم ابتدایی پذیرفته شدند. در دوره ریاست دهلوی، هنرستان موسیقی



ملی کتاب آموزش تنبک را که با همکاری حسین تهرانی، استاد این ساز، حسین دهلوی، هوشنگ ظریف و فرهاد فخرالدینی تدوین شده بود به چاپ رساند. در سال ۱۳۴۶ مجموعه آهنگهایی برای کودکان با نام نغمه کودک با همکاری حسن رادمرد و ابراهیم صفایی به کوشش حسین دهلوی از طرف هنرستان موسیقی ملی به چاپ رسید.

فارغ التحصیلان دوره حسین دهلوی: اردشیر روحانی، مهربانو توفیق، داریوش دولتشاهی، اسماعیل وانفی، کامبیز روشن‌روان، اسماعیل تهرانی، سوسن اصلانی، ملیحه سعیدی، مینا افتاده، علی رهبری، علی رئیس فرشید، محسن تویسرکانی، شهرداد روحانی، داریوش طلایی، حسین علیزاده، آذر هاشمی.

نظر کلی دهلوی درباره موسیقی ایران را می‌توان در این جملات یافت: "به نظر من موسیقی

ایرانی از نظر کاراکتر و حالت در بیشتر قسمتها محزون است و این به دلیل گذشته تاریخی ماست. به هر حال، موسیقی هم، چون هنرهای دیگر، بازتاب احساس جامعه است و وقتی جامعه‌ای با مسائل و رویدادهای دردناکی مواجه می‌شود، بازتاب این تأثیرات را ... بخصوص در موسیقی اش می‌توان یافت. به همان اندازه که سوز دل و جگر سوختگی و ناراحتی در اشعارمان داریم، شاید کمی بیشتر در موسیقی‌مان داریم. به همین دلیل بار عاطفی غم و اندوه در موسیقی ایران زیاد است و این مسئله وقتی صورت حاد پیدا می‌کند که با روحیه کودک تطابق پیدا کند. در موسیقی‌های صحنه‌ای هم وقتی که از درد و رنج و اندوه سخن می‌گوییم، می‌توانیم از موسیقی ایرانی بهره بگیریم، ولی اگر نوع احساس عوض شود و بخواهیم از مسائل دیگر که مورد نیاز صحنه است اثری تصنیف

کنیم، ناچار از موسیقی ایرانی دور خواهیم شد... بسیاری از مسائل تکنیکی هستند که موسیقی ایرانی امکاناتی برای اجرای آنها ندارد، در نتیجه ما ناچاریم از روند کلی موسیقی در جهان برای رفع این مشکلات بهره بگیریم."

مصطفی کمال پورتراب

از ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۲

در آغاز سال تحصیلی ۱۳۵۰ حسین دهلوی از ریاست هنرستان کناره‌گیری کرد و مصطفی کمال پورتراب به ریاست هنرستان منصوب شد. آغاز فعالیت پورتراب مصادف بود با تغییر نظام آموزش عمومی. در برنامه جدید، هنرجویان به جای سال پنجم ابتدایی از سال چهارم ابتدایی پذیرفته شدند. در اساسنامه جدید نسبت به برنامه دروس موسیقی در کلاسهای مختلف تغییراتی داده شد.



هنرستانهای موسیقی از سال ۱۳۵۷

روزنه امید که برای فارغ التحصیلان هنرستانهای موسیقی دختران و پسران به وجود آمد تصویب برنامه‌ای در سیصد و پنجاهمین جلسه شورای عالی برنامه‌ریزی وزارت فرهنگ و آموزش عالی مورخ ۱۳۷۶/۹/۹ برای هنرستانهای موسیقی

ایرانی: تار، سنتور، قانون، عود، کمانچه؛ و سازهای جهانی ویلن، ویلن سل، پیانو، فلوت، ابوا، ساکسفون، ترمبون، کر، کلارینت.

از آغاز سال تحصیلی ۱۳۷۹-۸۰ برنامه‌ای جدید برای هنرستانهای موسیقی دختران و پسران پایه‌ریزی شد. این برنامه را حسین دهلوی، موسیقیدان، محقق موسیقی و مدیر سابق هنرستان موسیقی ملی طراحی کرده و کامبیز روشن‌روان، فریدون ناصری و علی محمد رشیدی، مدیر هنرستان موسیقی پسران تهران، مشاور این طرح بوده‌اند. در این برنامه شامل این مزایا و مشخصات است: درس شیعی و سه ترم درس ریاضی از برنامه هنرستان حذف شد.

این برنامه شامل سه گرایش ساز ایرانی، ساز جهانی و مبانی آهنگسازی است. در این برنامه این دروس در ارتباط با موسیقی به برنامه هنرستان اضافه شده است: مبانی نظری و ساختار موسیقی ایرانی، تاریخ موسیقی جهانی، ساز دوم، سازشناسی ایرانی، سازشناسی جهانی، همراهی ساز با آواز ایرانی، ساختار موسیقی جهانی. در سال تحصیلی ۱۳۷۹-۸۰ گرایش جدیدی به نام مبانی آهنگسازی ایجاد شده است. درسهای موسیقی دو واحد محاسبه می‌شوند. برنامه زیر از سال ۱۳۷۹-۸۰ اجرا خواهد شد:

هنرستان عالی موسیقی و هنرستان موسیقی ملی از سال ۱۳۵۹ تعطیل شد و هنرجو نپذیرفت. در سال ۱۳۶۳ دو هنرستان عالی موسیقی و هنرستان موسیقی ملی در هم ادغام و تبدیل به دو هنرستان موسیقی پسران و هنرستان موسیقی دختران با نامهای «هنرستان سرود و آهنگهای انقلابی پسران» و «دبیرستان سرود و آهنگهای انقلابی دختران» شد. برنامه هنرستانها نیز به ترتیبی که پیشتر ذکر شد تغییر کرد. طراحان این برنامه عبارت بودند از: حسین علیزاده، کامبیز روشن‌روان، پرویز منصوری، ثمین باغچه‌بان، حسین دهلوی، فرهاد فخرالدینی، مصطفی کمال پورتراب. این برنامه شامل دوازده درس اختصاصی موسیقی و نه درس عمومی بود. این برنامه از سال ۱۳۶۳ تا سال ۱۳۷۵ در دو هنرستان موسیقی پسران و دختران تهران اجرا شد.

از سال تحصیلی ۷۶-۱۳۷۶، برنامه هنرستانهای موسیقی پسران و دختران مطابق برنامه نظام جدید آموزشی تغییر کرد. طراحان این برنامه عبارت بودند از مصطفی کمال پورتراب، مهربانو توفیق، شریف لطفی. دوره هنرستان از چهار سال به سه سال تقلیل یافت. مطابق این برنامه هر سال تحصیلی به دو ترم تقسیم شد و هنرستانها دارای دو گرایش ساز ایرانی و ساز جهانی شدند. سازهای

مدیران هنرستان موسیقی دختران تهران از ۱۳۶۱ تا ۱۳۷۹

۱۳۶۱-۱۳۶۳	مرگینه خضری
۱۳۶۳-۱۳۷۳	پروین اشتیاردی
۱۳۷۳-۱۳۷۵	زهره فشارکی
۱۳۷۵-مهر	مهناز سلیمی
۱۳۷۵-۱۳۷۶	آذرنوش صدرسالك
۱۳۷۶-۱۳۷۷	شهناز محمودا قدم
۱۳۷۷-	ملیحه سعیدی

مدیران هنرستان موسیقی پسران تهران از ۱۳۵۷ تا ۱۳۷۹

	شریف لطفی
	عبدالرحیم اخیانی
۱۳۶۳-۱۳۷۴	غلامحسین فتحی
۱۳۷۴-۱۳۷۵	حسین علیزاده
۱۳۷۵-۱۳۷۷	محمود نوربخش
۱۳۷۷-	علی محمد رشیدی



دختران و پسران بود. این برنامه حاوی طرح دوره کاردانی پیوسته علمی-کاربردی نوازندگی ساز ایرانی و جهانی است. در آزمون دانشکده علمی-کاربردی رشته

موسیقی فقط فارغ‌التحصیلان هنرستانهای موسیقی پسران و دختران وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان تبلیغات اسلامی نظام قدیم و جدید پذیرفته می‌شوند. داوطلبان آزاد

باید حداقل دانش و مهارتهای موسیقی هنرجویان هنرستانهای موسیقی را دارا باشند.

چند نکته پیرامون آموزش موسیقی

فارغ‌التحصیلان هنرستانهای موسیقی پسران و دختران برای ورود به دو دانشکده موسیقی دانشگاه تهران و دانشگاه هنر کرج باید از چهار آزمون بگذرند. آزمون اول تغییر رشته است. دیپلم هنرستان موسیقی در چهار رشته علوم انسانی، ریاضی و فیزیک، علوم تجربی و هنر جایی ندارد. پس باید برای ورود به دوره پیش‌دانشگاهی یکی از این چهار رشته را انتخاب کند و امتحان دهد. برای مثال، فارغ‌التحصیلان هنرستان موسیقی برای ورود به دوره پیش‌دانشگاهی رشته هنر باید چهار درس مبانی هنرهای تجسمی (۲)، طراحی (۲)، تاریخ هنر ایران و تاریخ هنر جهان را امتحان بدهند و پس از قبولی در این مرحله، یک سال دوره پیش-دانشگاهی رشته هنر را بخواند. در دوره پیش-دانشگاهی هنرآموز موظف است ۱۵ درس که مطلقاً ارتباطی با درسهای موسیقی ندارد بخواند، و این آزمون دوم است. پس از قبولی در دوره پیش‌دانشگاهی، باید در کنکور سراسری شرکت کند و این آزمون سوم است. پس از قبولی در کنکور سراسری باید در امتحان تخصصی موسیقی دو دانشکده موسیقی تهران و دانشکده موسیقی کرج شرکت کند. این آزمون چهارم است. پس از طی این چهار مرحله به دانشگاه راه می‌یابد و در کلاسی می‌نشیند که هم‌کلاسه‌های او با دیپلمهای مختلف وارد این کلاس شده‌اند. کامبیز روشن‌روان، موسیقیدان، محقق موسیقی و مدرس موسیقی درباره دانشکده‌های موسیقی می‌گوید: "اساتید تمام تلاش‌شان را می‌کنند ولی چون با چند دسته دانشجوی روبه‌رو هستند خود آنها هم کارایی لازم را ندارند. یک دسته دانشجویانی‌اند که تازه از صفر می‌خواهند موسیقی را شروع کنند و هیچ زمینه قبلی نداشته‌اند یا اگر دارند آنقدر کم است که به حساب نمی‌آید. دسته دیگر دانشجویانی‌اند که کمی اطلاعات موسیقی دارند و تا اندازه‌ای بیرون دانشکده کار کرده‌اند و بعضی فارغ‌التحصیل هنرستانهای موسیقی هستند. پس در یک کلاس انواع و اقسام توانایی‌ها وجود دارد. کلاس را باید

با کدام یک از این گروه‌ها و دسته‌ها منطبق کرد، معلوم نیست. اگر درس را در حد فارغ‌التحصیل هنرستان بدهد، بقیه اصلاً متوجه نمی‌شوند. معلم ناچار است سطح درس را پائین بیاورد تا آن کسی که چندان نمی‌داند هم بالاخره چیزی بفهمد و همین باعث می‌شود که معلم هم دچار دلسردی و افسردگی گردد و به این نتیجه برسد که به هر حال با این شرایط بیش از این نمی‌شود کاری کرد و شاید هم بسیاری از استادان دانشکده‌های موسیقی به این نتیجه رسیده‌اند که قرار نیست موسیقیدانی از دانشکده‌های موسیقی فارغ‌التحصیل شود. با این وضع و امکانات آموزشی ضعیف، موسیقیدان تربیت نخواهد شد مگر اینکه واقعاً کسی خودش استعداد داشته باشد و خارج از محیط دانشگاه پیش‌معلمان رفته و کار کند و آن استعداد را شکوفا کند. محیط دانشگاه در شرایط فعلی با وضعی که وجود دارد امکان رشد به استعدادهای نمی‌دهد."

از هفت مدیر هنرستان موسیقی دختران پس از سال ۱۳۵۷ فقط دو نفر تحصیلات موسیقی داشته‌اند: آذرنوش صدرسالک، فارغ‌التحصیل هنرستان موسیقی ملی، و ملیحه سعیدی، فارغ‌التحصیل هنرستان موسیقی ملی و گروه موسیقی دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران.

کتابخانه هنرستان موسیقی ملی دختران تهران با کمکهای مردمی و معاونت هنری وزارت ارشاد اسلامی در سال ۱۳۷۸ بنیاد شد. برخی از کسانی که به بنیاد این کتابخانه کمک کردند: الفسانه کریاسی‌زاده، دکتر جواد کریاسی‌زاده، بهمن فرمان‌آرا، دکتر حمیدرضا شفیق‌پور، منیره میرعمادی، دکتر جمشید لطفی، کیومرث صابری فومنی، دکتر خسرو پارسا، شهرام حسن‌زاده، دکتر محمدضیا احمدی، پروین آراسته، داریوش شایگان، سیروس فرهمند، مهندس مرتضی کاظمی، ملیحه سعیدی، احمدرضا احمدی.

عنوان "هنرستان سرود و آهنگهای انقلابی" با

انتقاد موسیقیدانانی مواجه شد که عقیده داشتند سرود رشته‌ای از موسیقی است؛ مثل اینکه به دانشکده ادبیات بگویم دانشکده غزل یا قصیده. نظام جدید آموزشی به هنرستانهای موسیقی لطمه زد. چهار سال دوره دبیرستان به سه سال تقلیل یافت. درسهای غیراختصاصی آفتی شد برای درسهای موسیقی. برای مثال، درس ریاضی در چهار ترم همسطح رشته ریاضی؛ درس عربی همسطح رشته علوم انسانی؛ درسهای نامربوطی مثل شیمی، اقتصاد، دانش اجتماعی و تاریخ در حجم فراوان. از عجایب این برنامه آن بود که تعداد درسهای موسیقی در سال اول دبیرستان از سوم راهنمایی کمتر بود. برای مثال، هنرجویان، در دوره سه‌ساله راهنمایی سه درس ساز، تئوری و سلفژ را می‌آموختند. در سال اول دبیرستان، مطابق برنامه جدید، هنرجویان فقط دو درس موسیقی می‌آموختند.

برنامه‌های جدید نوشته سوری حسین دهلوی که از سال تحصیلی ۱۳۷۹-۸۰ اجرا شد امیدی برای هنرجویان و استادان موسیقی فراهم کرده است. در این برنامه، همه درسهای غیرالزام غیراختصاصی حذف شده و برای نخستین بار در تاریخ هنرستانهای موسیقی، رشته آهنگسازی را از سال اول دبیرستان می‌آموزند.

منابع

تاریخچه هنرستان عالی موسیقی و تاریخچه هنرستان و هنرکده موسیقی ملی، ابراهیم صفایی، ۱۳۵۵، وزارت فرهنگ و هنر.
روح‌الله خالقی، سرگذشت موسیقی ایران، جلد سوم، به کوشش علی‌محمد رشیدی، ۱۳۷۷، صفی‌علیشاه
علی‌محمد رشیدی، «پیشگامان تحول در موسیقی ایران»، کلک، شماره ۸۵، فروردین-تیر ۱۳۷۶
مجله هنر موسیقی، شماره ۵، مهر-آبان ۱۳۷۷
از خانم ارفع اطرابی برای راهنمایی‌های ایشان سپاس دارم. □